

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

تقی روزبه

۲۴ نومبر ۲۰۱۸

رویش گفتمان ضدسرمایه داری و درس های بزرگ مبارزه پرشکوه کارگران هفت تپه!



مبارزات درخشان کارگران هفت تپه تا همین جا هم دارای پیام های مهم و الهام بخشی برای کل کارگران و دیگر جنبش های اجتماعی و رادیکالیزه کردن جنبش ضدسیستم بوده است. آن ها در عین مبارزه مشخص علیه وضعیت مشخص خود و به کارگیری انواع ابتکارات در مقاومت و مبارزه خود، اما در عین خاص بودگی اش به شکل نمایانی حامل مؤلفه های عام و فرامحلی هستند و همین ترکیب خلاق در متن یک مقاومت درخشان است که به آن اهمیتی بیش از یک مبارزه مشخص و محلی یک مؤسسه تولیدی در شرایط مشخص می دهد. آن ها

در عمل و شعارهای خود به نحو درخشانی انگشت تأکید بر دردهای عمومی و جهت گیری عمومی برای مقابله با آن ها می نهند. البته چنین فرایندی در حال شدن است و در این میان نکته مهم و اصلی جهتی است که این جنبش آن را نشان می دهد:

الف- با پژواک گسترده شعارنان-کار-آزادی-اداره شورائی!

ب- علیه سیاست خصوصی سازی!

پ- اهمیت اتحاد و همبستگی کارگران و پیوند آن ها با سایر جنبش ها

ت- نوع سازمان یابی، حرکت جنبشی-افقی و دوری از اشکال سلسله مراتبی و از نوع هرمی. اسماعیل بخشی در سخنان خود مرتب بر نقش تعیین کننده کارگران و مجامع عمومی آن ها در تصمیم گیری ها، و نقش نمایندگان هم چون رابطینی که صرفاً خواست ها و تصمیمات آن ها را منتقل می کنند، تأکید کرده است. بی تردید اگر چنین نقشی جابیفند، آن گاه نه فقط کارگران از همین حالا مداخله در سرنوشت خودشان را آغاز کرده اند و تمرین می کنند، بلکه با کاهش ضربه پذیری خود، دارای توان بیشتری در ادامه حرکت خود، حتی در صورت دستگیری رابطین و سخنگویان و فعالان پیشرو خود، خواهند داشت. بی تردید سازمان یابی افقی به معنای نادیده گرفتن نقش فعالان و عناصر پیشرو در جنبش کارگری نیست، اما این که بخواهیم آن را نهادی کنیم و برای کارگران رهبر (و پیروانی که رهبر بدون آن معنا ندارد) بترسیم جزییگانگی با اخگر سوزان جنبش های نوین و نقش آفرینی احادکارگران در ساختن مناسبات نوین و جهانی نو و بنای سوسیالیسم به دست خود کارگران و مردمان جامعه نیست.

ث- کارگران هفت تپه با داشتن تجربه زنده و تلخ پی آمدهای خصوصی سازی، در کنار معلمان و دانشجویانی که به کالائی و پولی کردن آموزش و مدارس و دانشگاه ها معترض اند، تا همین جا هم نقش مهم و تأثیرگذاری در پژواک دادن گفتمان ضدسرمایه داری در سطح جامعه ایران و حتی در بیرون از کشور داشته اند. به ویژه با طرح مسأله خصوصی سازی و ایده شورائی، نه فقط رژیم که لیبرال ها و گفتمان سرمایه دارانه را مستقیماً زیر سؤال برده و آن ها را نگران رشدجنبش کارگری و مسیرجنبش مطالباتی آن ها کرده است به طوری که چه در رسانه های داخلی و چه در رسانه ها و تریبون های خارجی چون بی بی سی و دیگر رسانه های مشابه در خارج کشور به تکاپو برای نجات گفتمان خود و منزوی کردن گفتمان ضدسرمایه داری در حال نضج انداخته است. آن ها در این راه تلاش مذبوحانه ای را برای تفکیک خصوصی سازی موردنظر خود از خصوصی سازی رژیم اسلامی که گویا از نوع بدخیمش هست و تا حالا هم چه آن ها و چه دولت ها و نهادهای جهانی سرمایه داری آن را تشویق و از آن دفاع می کرده اند (و البته بخش های زیادی هم چنان هم دفاع می کنند)، آغاز کرده اند. غافل از آن که خصوصی سازی به اصطلاح خوش خیم وجود خارجی ندارد. تجربه «خصوصی سازی واقعی» حتی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری هم -کشورهای عقب مانده و جهان سومی که جای خود دارد- نیز بیلان کارشان جز گسترش فقر و شکاف طبقاتی و تشدیدبحران و مداخله روزافزون دولت ها در اقتصاد و بازار، البته به سودسرمایه داران، نبوده است.

بحران جهان امروز هم، همان گونه که بحران ایران نیز درگوه خود، به گونه ای بکر آن را در منطقه خاورمیانه بازتاب می دهد، بازتاب بحران کالائی شدن مناسبات زندگی و نیز به همان اندازه کالائی شدن مناسبات انسان با محیط زیست است. آن چه که سرمایه داری فربه شده امروز وجود خارجی دارد همانا انحصار و چیرگی گول های بزرگ بر زندگی بشر و طبیعت است که دوقطبی سازی یک درصد و ۹۹ درصد و ویرانی طبیعت و شمارش معکوس آن هم چون بیلان خروجی آن به صدا در آمده است. جنبش نوین مردم ایران با تجربه زیست چهاردهه مشقت و رنج در نظام استبدادی کنونی و هم چنین تجربه استبداد گذشته اش، و با داشتن پیشینه غنی و تأثیرگذار و تأثیرپذیر در منطقه، اکنون در بداعتی نوین و پیشرو، در پاسخ به این نوع مناسبات «نه» می گوید. آن ها قبل از هرچیز این درس بزرگ را از کتاب زندگی (تجربه زیسته خود) آموخته اند، که مبارزه علیه استبداد مذهبی بدون مبارزه با سرشت مناسباتی که این استبداد برپایه آن بیداد می کند، راه به جایی نخواهند برد. پیوند جدانپذیران و آزادی نه فقط در تمایز با تجربه های پیشین که گشایش آینده ای پرامید بر پرچم این رویش جدید نقش بسته است.

ج- کارگران هفت تپه و شور و خیزش مبارزاتی آن ها، نمونه ای درخشان و درس آموز از آن چیزی است که می توان آن را «سوسیالیسم هم چون یک جنبش مطالباتی» خواند و نه هم چون یک مکتب آئینی و تدوین و برنامه زیری شده توسط نخبگان و فرقه ها. در این پراکسیس، تئوری و پراتیک از هم جدا نیستند و آگاهی و عمل با هم گره می خورند... «سوسیالیسم هم چون یک جنبش مطالباتی» که در آن مبارزه علیه کالائی شدن عرصه های مختلف زندگی و تبدیل آن ها به مناسبات از گونه ای دیگر به مطالبات مشخص و شفاف خودجایه و کارگران و زحمتکشان و کنشگران ضدسرمایه داری تبدیل می شود. کارگران و زحمتکشان با گسترش و تعمیق چنین فرایندی قادر به ارائه آلترناتیوی واقعی در برابر سرمایه داری خواهند شد.

چ- و البته این را هم باید افزود که مبارزه علیه سرمایه داری چه در نوع خصوصی اش (که البته با عبورتاریخی از مرحله غیرانحصاری دوران اولیه اکنون اساساً به شکل انحصارات گول های بزرگ وجود دارد)، که شکل اصلی و پایدار است و چه در نوع سرمایه داری کاملاً و یا عمدتاً دولتی اش، دارای ماهیت یکسان هستند و طبیعی است که جنبش کارگری برای رسیدن به اهداف خود نمی تواند به هیچ کدام از آن ها دخیل بندد و ضرورتاً با هردو شکل آن مبارزه می کند. سوای تجربیات جهانی، در ایران و حکومت اسلامی نیز، کارگران از قضا در تجربه خود هردو نوع آن را آزموده اند. از همین رو تأکید کارگران به مبارزه علیه خصوصی سازی نه فقط به معنای خزیدن به زیرچتر سرمایه داری دولت نیست، بلکه همانطور که آن ها مطرح ساخته اند آنها در صورت دولتی شدن هم بر نقش خود در تصمیم گیری و اداره کارخانه تأکید کرده اند.

ح- جنبش اعتراضی کارگران هفت تپه در عین حال خطوط اولیه نحوه خروج از گرداب و دام چاله کشاکش بین دوگانه «دشمن داخلی و خارجی» را ترسیم می کند: آن ها از یکسو و بدرستی آماج خود را رژیم حاکم هم چون دشمن خانگی به عنوان منشأ اصلی همه تباهی ها و نیروی شدت ارتجاعی و مسلط بر سرنوشت خود-در راستای ستراتیژی دشمن همین جاست- متمرکز می کنند و در همان حال با طرح مطالبات واقعی و ضدسرمایه دارانه خود، مدافعان سرمایه داری و حامیان بین المللی آن ها را نیز به نبرد فرا می خوانند. آن ها باین طریق نه فقط سحر تکتیکی رژیم اسلامی را که می کوشد مثل همیشه با علم کردن دشمنان خارجی صفوف جنبش را در هم بریزد و خویشتن را از مهلکه نجات بخشد باطل می کنند، در عین حال با طرح مطالبات واقعی خود اجازه بهره برداری به گفتمان سرمایه داری و حامیان بین المللی آن ها نمی دهند. بی تردید چنین فرایافتی، مواجهه با این بغرنجی از طریق تبدیل و تحویل آن ها به دو گفتمان ماهیتاً متفاوت و قابل لمس، با وجود آن که برای مقابله کارآیند با دوگانگی مزبور هم چنان نیاز به تدقیق و تکلمه دارد، اما نهادن خشت پایه مقابله با این دوگانه کاذب و تشتت آفرین بر پایه مطالبات عینی، ناهمسوئی بنیادی بین گفتمان ضداستبدادی-ضدسرمایه داری با گفتمان سرمایه داری مدعی مبارزه با نظام و استبدادحاکم را به نحوشفافی نمایان می سازد. نباید فراموش کنیم که عبور از این دوگانه کاذب و در عین حال تنش زا و تشتت آفرین، سوال و آزمون بزرگی برای این گفتمان و سرنوشت جنبش نوین مردم ایران است.

خ- چپ اجتماعی و معطوف به جنبش ها در همین خاک ریشه دارد و در حال خیزش و برآمدن است. چپ آن جاست که جنبش های ضدسرمایه داری ریشه و جوانه می زنند. آن ها سازخود را با چنین برآمدی کوک می کنند. و بخش های پراکنده آن نیز با خروج از مدار کوک شده چهاردهه گذشته، به همراه پارادایمی که دورانش به سرآمده، می توانند بر همین بستر به بازسازی خود همت گمارند.

با همه توان برای تقویت این جنبش و آزادی فوری کارگران دستگیر شده بکوشیم!

تقی روزبه ۲۰۱۸/۱۱/۱۸